

## هو العزيز القديم

در این وقت که بلبل گلزار بقا قصد آشیان وفا نموده و شاهد انجمن عاشقین عزم دیار قسطنطین فرموده تا از شاخسار دارالسلام بغداد بآشیان دارالاسلام اسلامبول برپرد و از این مرز و بوم به خطّه و دیار روم شتابد و در آن گلستان بیدایع الحان قدسی تغنی فرماید که شاید انفس ترابی از مقرّ فانی برپزند تا در ظلّ همای حقیقی مقرّ گزینند و چون اطيّار عرشی بگلشن باقی طیران نمایند این عبد فانی خامه را با مداد قرین نموده که شاید از تلاقی این دو ناله جانسوز فراق از عالم دل و جان بعالم ظهور و بیان پیوندد و نمی از یم اشتیاق بافاق مترشّح گردد تا از این رشحات محبّت قلوب محبّان در خروش آید و از این آتش جگرسوز هجران دلّهای دوستان بجوش آید ولکن چه توان نمود که قلم را این الم درخور نه و الواح را این الحاح وسعت نه زیرا که هر عالمی بیش از قدر و اندازه خود تحمّل ننماید و از عهده برنیاید البتّه دریاهاى بی‌پایان عشق در نهرهای امکان جاری و ساری نشود و ارواح قدسیّه لامکان در قالب مکان ننگجد پس خوشتر آنست که ابواب لسان را از عالم مجاز بریندیم و به لب و زبان حقیقت پردازیم و از عرصه الفاظ بفضای جانفزای عوالم معنی پرواز نمائیم

با تو بی‌لب این زمان من نو بنو

رازهای کهنه میگویم شنو

البتّه این عالم خوشتر و دلکشتر است از عوالم دیگر زیرا که قاصد این مقصد ممنوع نگردد و فیض این سحاب مقطوع نشود بلکه در مرور ایّام و دهور این پیک معنوی در سیر و سلوک است و این هدهد سبای قدسی در بشارت و سرور و اما آنکه سبب این حرکت و علّت این مسافرت آنست که دولت ایران با تیغ و سنان از سه سال قبل تا بحال پایی این جانب شده‌اند و هرگز ذره‌ئی اهمال و اغفال نوزیدند بلکه بتمام جدّ و جهد مشغول بوده‌اند بخصوص یک سال یا بیشتر است که در تدبیر بیش از طاقت خود کوشیدند خلاصه در اوائل از دولت عثمانی خواهش نمودند و کوشش کردند که ایشان را با جمیع متعلّقان گرفته دست‌بسته تسلیم ما نمائید دولت روم جواب نمودند بعد دول دیگر را بتوسّط انداختند و دول اجنبیه از دولت ایران حمایت و توسّط نمودند ولکن دولت روم بالمّرّه جواب نمودند که دولت ایران چنین خواهش و طلبی ننمایند زیرا که چنین امر محال و ممتنع است بحمد الله هر چه کوشش نمودند دست ایشان کوتاه گشت و شجره عنایت الهی بلندتر شد و هر چه دام تزویر و شست تدبیر از برای این طیور هوای قدسی و شاهباز فضای الهی نهادند خود بآن مبتلا گشتند و غافل از اینکه تقدیرات الهی فوق تدبیر ایشانست بعد از یأس از این مرحله از دولت روم بتوسّط دول دیگر خواهش نمودند که وجود ایشان در عراق عرب که سرحدّ ایرانست سبب اضطراب قلب ماست و علّت انقلاب مملکت ایران حال که شما ما را بآنچه طلب نمودیم مأیوس نمودید پس ایشان در محلّ دیگر باشند چه ضرور که در سرحدّ تشریف داشته باشند باز دولت روم قبول ننمودند بعد میرزا حسینخان وزیر مختار دولت ایران که در اسلامبول است قهر کرده هفت روز از خانه بیرون نیامده و هر چه وکلای دولت روم در عقب او فرستادند بمجلس نرفت بعد صدر اعظم اسلامبول به نامق پاشا که حاکم عراق است نوشت که دولت ایران ما را تنگ آوردند شما این تفصیلات را خدمت ایشان عرض نمائید شاید که میل نمایند چند وقتی باین صفحات تشریف بیاورند و شاید قدری داد و فریاد و ناله و نوحه دولت ایران کمتر شود ولکن در کمال احترام نوشته بود و سفارش زیاد بجهت مهمان‌دار راه و مصارف طریق و سوار بجهت محافظت همراه کنند و بهر قسم که خود ایشان میل داشته باشند معمول دارند بعد پاشا در روز سیّم عید رمضان که بنده و سرکار آقا عمو بدیدن عید رفته بودیم پاشا بسیار اظهار اشتیاق نمود در اینکه خدمت ایشان برسد ولکن تمنای آن داشت که ایشان بمنزل او تشریف ببرند بعد ایشان جواب فرمودند که من در مقرّ حکومت میل ندارم وارد شوم اگر پاشا میل ملاقات دارند قرار در مسجد میدهیم بعد ایشان به مسجد تشریف بردند و پاشا آمد وارد

مسجد شد و برگشت و وزیر خود را با کاغذهای صدر اعظم در خدمت ایشان فرستاد که من آمدم در مسجد ولکن از جمال شما خجالت میکشم که در مجلس اول چنین عرایض را نمایم بعد وزیر پاشا تفصیلات را عرض نمود و گفت که پاشا حرفش اینست که اگر میل بتشریف بردن ندارید نوشته مرقوم بفرمائید به صدر اعظم و ما میفرستیم و اگر خیر میل بتشریف بردن دارید اعلام بفرمائید مقصود اینست بسته بمیل خود شماست ایشان جواب فرمودند که اگر دولت علیّه کمال احترام را معمول میدارند من بجهت بعضی مصالح برفتن آن صفحات چند وقتی بی میل نیستم بعد پاشا پیغام فرستاد که من آنچه بفرمائید و میل داشته باشید معمول خواهم داشت خلاصه امروز که روز چهارشنبه دهم ذیقعدہ است در باغ نجیب پاشا هستیم چون چند روز است که نقل مکان نمودیم از بغداد باین باغ و انشاءالله چند روز دیگر عازم اسلامبول هستیم و چند روز قبل خود نامق پاشا بدیدن ایشان آمد باغ و بسیار اظهار اخلاص و محبت نمود باری در اول که ذکر رفتن اینجانب شد اعدا فرح زیادی نمودند ولکن بمفاد آیه مبارکه یریدون ان یطفئوا نور الله بأفواههم و یأبی الله الا ان یتم نوره ولو کره الکافرون خدا چنان اسبابی فراهم آورد که فرح ایشان به حزن و اندوه تبدیل شده بقسمی که ایلچی عجم که در بغداد است بسیار پشیمان شده است از این حيله و تزویری که نمودند و نامق پاشا در آن روز که آمد خدمت ایشان گفت پیش اصرار برفتن شما داشتند حال بسیار اصرار برفتن شما و یمکرون و یمکر الله و الله خیر الماکرین

---

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دالود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمایند.

آخرین ویراستاری: ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر